

خطاب به اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

چند روزی از مرحله اول سومین مجمع عمومی ما می گذرد و هنوز بسیاری از ما در حیرت مباحثی هستیم که در آن صورت پذیرفته.

رفقا! بیش از دو سال و نیم را از عمر کمیته هماهنگی می گذرد در طول این مدت کمیته و اعضای آن با وجود همه موانع با افتخار مبارزه را شروع کرده و تا کنون ادامه داده اند. چرا که آرمان و هدف تک تک ما ارتقا مبارزات روزمره کارگران و کوشش برای ایجاد تشکل کارگرونده است. ما (اعضای کمیته) در طول این مدت از هیچ حزب و سازمانی دستور نگرفتیم و با جریانات رفرمیستی و متمایل به سازش با سرمایه داری مرزبندی داشته ایم تنها به این دلیل که این جمع دارای خط مشی جنبشی، اساسنامه و اسناد پایه‌ای و جایگاه حضور فعالان کارگری صاحب نظر و صاحب نفوذ در عرصه مختلف اجتماعی بوده است.

اما امروز بعد از دو مجمع عمومی در برابر ما دو پیش نویس اساسنامه ای قرار گرفته است که یکی از آن ها مفهوم "ضد سرمایه داری" را از اساسنامه کمیته حذف کرده، هدف مبارزه ما که تشکیل "تشکل سراسری ضد سرمایه داری طبقه کارگر" بوده را تغییر داده و حتی نام کمیته را نیز عوض کرده است.

لازم به یاد آوری است هر کدام از ما که به عضویت کمیته هماهنگی درآمدیم ابتدا با آگاهی از متن اساسنامه و روح حاکم بر آن و شکل و شیوه مبارزه در کمیته به این جمع پیوستیم. بسیاری از ما با قبول خصلت سرمایه داری به کمیته پیوستیم و همه ما به این نکته اذعان داریم که ویژگی "ضد سرمایه داری" مختص این یا آن جریان نیست که آن را تابلوی خود سازند و این نام را با آنها بشناسند. و حذف آن را با حذف آن جریان یکی بدانند. ضد سرمایه داری

بودن از نظر ما داشتن مرزبندی با " جریانات راست کارگری " (سندیکالیسم، تردیونیسیم و ..) و " جریانات چپ جدا از طبقه کارگر " است. ضد سرمایه داری از نظر ما ایجاد تشکل کارگری با این افق است که طبقه کارگر تنها زمانی به بهروزی و زندگی متناسب با شئون انسانی خواهد رسید که مناسبات سرمایه داری از جهان بر چیده شود (و آن هم به نیروی خود کارگران). این درست نکته ای است که مارکس در نامه ای به فردینالد لاسال و اتحادیه های کارگری در آلمان نوشته بود و در عین حال یاد آور این بند از سرود بین المللی کارگران است که : " بر ما نبخشد فتح و شادی نه بت نه شه نه آسمان گیریمبه دستان خویش آزادیمان " بنابراین هیچ جریانی نمی تواند ادعای ضد سرمایه داری بودن را داشته باشد مگر این که بتواند رئیس بالا را قبول داشته باشد و در عمل آنها را به کار ببندد.

اما در همان روز عده ای از رفقا با اعلام این که در کمیته تنها دو جریان (یا دو رویکرد) وجود دارد و هر عضو کمیته بالاخره در یکی از این دو رویکرد می گنجد و متعاقبا با متهم کردن دیگر دوستان به غیر جنبشی ویا سکت بودن و اعلام این که کمیته را ترک خواهند کرد یک موضوع اساسی را نادیده گرفتند. آنها حق مسلم اعضای است که صف مستقل دارند را در نظر نگرفتند و کسانی که در عین حال پایبندی به روح حاکم بر اساسنامه با هر نوع جدایی مخالفند و از طرفی خود را در هیچ کدام از دو رویکرد نمی بینند. کسانی که با این دید به کمیته آمدند که کمیته را تنها ظرف مناسبی برای مبارزه رادیکال طبقه کارگرو بستری ضد سرمایه داری و مناسب برای مبارزات روزمره در راه ایجاد تشکل کارگری می دانستند و بس. پس معتقدند که دو گرایشی کردن کمیته غیر اصولی است. ما امضا کنندگان این بیانیه به این صف تعلق داریم. ما معتقدیم انسجام و ادامه کار کمیته ضرورت بلا شرط مبارزه کارگران در ایران است.

ما معتقدیم دو رویکرد مورد نظر جدال ها و مباحث بین آقایان حکیمی و خباز است. ما معتقدیم که تاریخ مبارزات چپ در عین نقد ریشه ای که بر آن وارد است نقش مخربی در جنبش اجتماعی طبقه کارگر نداشته است. در عین حال معتقدیم این بحث، بحث پایه ای امروز ما نیست که دلیل اختلاف عملی ما باشد. ما معتقدیم که حق قیومیت و تعیین تکلیف برای کارگران را نداریم و این خود طبقه کارگر است که سره را از ناسره تشخیص داده و راه خود را انتخاب خواهد کرد.

رفقا! بیاید به یاد بیاورید ما همان کسانی بودیم که بدون یک ذره توهم به سرمایه یا چشم امید داشتن و دستور گرفتن از هیچ حزب و جریانی در کنار کارگران شاهو، نساجی غرب و پرریس در سنندج - یخچال سازی خرم آباد - شرکت واحد تهران - کوره پزخانه های وایگان و خدابنده - باب نیزوی کرمان - کارگران خباز سقز و امروز نیشکر هفت تپه مبارزه کردیم.

رفقا! بیاید به یاد بیاوریم این ما بودیم که مبارزه رادیکال را به شکل علنی در جنبش کارگری نهادینه کردیم. این ما بودیم که در این مدت با حداقل امکانات و بدترین شرایط مالی و مادی (و در این اواخر) زیر فشار و ترور از لحظه لحظه زندگی خود مایه گذاشتیم و در مبارزه روزمره کارگران تا حد توانمان شرکت کردیم و هیچ منتی هم بر طبقه خود نداریم که هر چه کردیم تنها وظیفه ما بوده.

رفقا بیاید به یاد بیاوریم که ما اولین جریانی هستیم که در طول 80 سال جنبش کارگری ایران برای اولین بار در زمان حیات و فعالیتیمان (قبل از هر گونه انشعاب و جدایی) دست به نقد برهنه و بیرحمانه خود زدیم و آن "در بوته نقد" را آشکارا در عرصه دید همگان قرار دادیم.

حضور ما و یکپارچگی مان و ادامه راه گذشته با نقدی سازنده و رفیقانه ضرورت جنبش است. پاره پاره کردن کمیته هماهنگی با این بهانه که عنوان "ضد سرمایه داری" باعث عدم پیوستن کارگران به این مبارزه شده و یا مطرح کردن این اتهام واهی و ماوراچپ که کمیته از اول سکت بوده و یا مبارزه را بیرون از آن هم می توانیم ادامه دهیم چیزی جز ضربه زدن به راهی که با سختی طی شده نیست. این ها همه بهانه ای است تا ما دوباره به سر خط باز گردیم. وجود بیکاری و اخراج کارگران فعال در محیط های کاری باعث می شود تا فعالان در کنار هم گرد آیند و چنین تشکل هایی را ایجاد نمایند و اگر نه همه ی پیشروان کارگری علاقه مندند در محیط کار خود با بدنه کارگری ارتباط گرفته و تشکل ها را در درون همین بستر ایجاد کنند. ایجاد "شورای همکاری تشکل های کارگری" دقیقا در همین جا نشات می گیرد چرا که ما در ارتباط گیری با کارگران مخصوصا کارگران قراردادی و اخراجی ناموفق بودیم. بنا بر این "شورا" را سر بدون بدنه خواندن تنها پاک کردن صورت مسئله است. ما با تمام وجود دوست می داشتیم این شورا محل اجتماع همین کارگران بود اما موانع امروزی (که ما بعضی از آن ها را سهوا و یا شاید عمدا در نظر نمی گیریم) جنبش ما را در چنین امری ناکام نهاده. ما امضا کنندگان این بیانیه از همه رفقا می خواهیم با نگاهی بردبارانه به امروز و گذشته در کمیته و جنبش در حفظ ساختار و تشکیلات آن کوشا باشند و نقد رادیکال و رفیقانه را پیش روی خود قرار دهند.

افشین شمس قهفرخی - سعد الله محمدی

1386/9/10